پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی
دانشگاه بیرجند

تحلیل نشانه‌شناختی شعر برگزیدهٔ معاصر «آیینی– رضوی»(نمونه پژوهی: دههٔ ۹۰)

سکینه مهدوی‌کلاته‌نو[۱] محمود فیروزی‌مقدم[۲] مهیار علوی‌مقدم[۳] علی صادقی‌منش[۴]

چکیده

شعر رضوی یکی از شاخه‌های شعر آیینی است که به دلیل پیوند عمیق روح و جان ایرانیان مسلمان با امام رضا(ع) اهمیت بسیار زیادی دارد. نشانه‌شناسی شعر آیینی- رضوی بر مبنای شناخت رمزگان‌های مختلف از اهداف این پژوهش است؛ زیرا شاعران، معنا را از طریق نشانه‌ها و روابط حاکم میان آن‌ها به مخاطب منتقل می‌کنند. نوع نشانه‌های به کار رفته در شعر آیینی- رضوی به گونه‌ای است که باعث انسجام ساختاری اثر و به وجود آوردن تصاویر شاعرانه می‌شود که همگی به طرف وحدت شعری حرکت کرده-است و شاعر می‌تواند به موجب آن احساسات و تجربیات خود را به خوانندگان القا نماید. در این مقاله، روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، تحلیل داده‌ها کیفی و روش استدلالی از نوع روش استقرایی است. در بررسی اشعار آیینی- رضوی دههٔ ۹۰ خورشیدی، دریافتیم شاعران برای نشان دادن احساس و عواطف خود در برابر مهربانی امام رضا(ع) از نشانه‌های زیباشناختی همچون استعاره، تشبیه، نشانه‌های اغراق آمیز، تلمیح، مراعات نظیر، موسیقی و عمدتاً قالب غزل بهره می‌گیرند. در بررسی رمزگان مربوط به زمان و مکان مشخص می‌شود کاربرد زمان حال درآن‌ها بیشتر است. شاعران شعر آیینی- رضوی به وحدت موضوع در دو محور عمودی و افقی، بیان احساس عشق و ارادت امام رضا(ع) و کرامات ایشان و توصیف مکان های حقیقی پرداخته اند. وجود جمله‌های کوتاه و منادا در ابتدای جمله و افعال امر و نهی و همچنین وجهیت عاطفی باعث شده شاعران صمیمانه با امام رضا(ع) سخن بگویند. ضمانت آهو توسط امام رضا(ع) نشانه‌های روایی بسیار زیادی را آفریده است. برخی از نشانه‌های به کار رفته در شعر آیینی- رضوی معانی فراتر از سطح ارتباطی زبان دارند و می‌توان از سطح لایهٔ سطحی به لایهٔ پنهان و عمیقی رسید که در ژرف ساخت متن قرار دارند.

کلید واژه‌ها: ادب آیینی، شعر معاصر، شعر آیینی- رضوی، نشانه‌شناسی، رمزگان.

۱ـ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.
sakinemahdavi32@gmail.com
۲ـ استاد یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران.(نویسنده مسؤول)
firouzimoghaddam@gmail.com
۳ـ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. m.alavi.m@hsu.ac.ir
۴ـ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران. a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

۱- مقدمــه

هجرت امام رضا(ع) از مدینه به ایران، توجّه شیعیان را به خراسان جلب کرد و باعث پیوند ذهن و زبان شاعران با سیره و سیمای شعر آیینی- رضوی شد. ادبیات شیعی با پرداختن به مضامین مذهبی و برخورداری از جایگاه ویژه در نزد محبان خاندان عصمت و طهارت به جریانی پویا و پرشور تبدیل شده‌است. با بهره‌گیری از این ادبیات می‌توان آموزه‌های آیینی و ولایی را با نگاهی اخلاقی، تربیتی و زبانی هنری و مؤثر به نسل‌های نیازمند به سرچشمه علم و اخلاق معصومین انتقال داد و باورهای اهل شیعه را به سوی آرمان‌های اصیل و متعالی این به کمال انسانی بهتر و بیشتر رهنمون ساخت (نک: بیگ‌زاده،۱۳۹۳:صص ۳۰-۷).

در مورد پیشینهٔ شعر آیینی- رضوی که دراین مقاله، آن را از شعر صرفاً مذهبی رضوی متمایز می‌کنیم، در ادبیات عرب پیش و بیش از هر شاعر دیگری باید از شاعر نامدار شیعی دعبل خزاعی نام برد که همنشین چهار امام معصوم (ع) بوده‌است. تاریخ تولد شعر دینی و آیینی در ادب پارسی به اواخر سدهٔ سوم و اوایل سدهٔ چهارم، یعنی دوران حاکمیت دولت‌های علویان طبرستان، آل بویه، فاطمیان و آل حمدان برمی‌گردد. آل بویه دارای نژاد اصیل ایرانی و از محبان خاندان رسالت بودند که در منطقه دیلمان ایران(گیلان) سکونت داشتند. بزرگان شعر و ادب پارسی به دلیل محبت و معرفتی که نسبت به خاندان رسالت داشتند همواره بیان فضایل این خاندان را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانستند امّا در حوزه شعر و ادب پارسی باید گفت که تا قبل از زمان تیموریان و پیش از صفویه شعر آیینی از درخشش چندانی برخوردار نیست. در عصر صفویان که با رسمیت یافتن مذهب تشیع، شعر آیینی به ویژه شعر رضوی به بلوغ و بالندگی رسید، در بخشی از آن‌ها شاعران با نام بردن از حضرت علی ابن موسی الرضا (ع) به ساحت ملکوتی ایشان عرض ارادت کردند. بخشی دیگری از آن شاعران نیز در سروده‌های خود به بیان فضایل رضوی، سجایای اخلاقی، کرامت‌های الهی و انسانی عالم آل محمد(ص) پرداختند. کارنامهٔ شعر رضوی بعد از انقلاب اسلامی نیز کارنامه بسیار پر باری است و در این میان شاعرانی چون طاهره صفارزاده، موسوی گرمارودی و قیصر امین پور پیشتاز هستند و در زمرهٔ شاعرانی هستند که در حوزهٔ شعر رضوی به خلق و آفرینش آثار فاخر و ماندگار پرداخته‌اند(نک: اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۹).

۱ـ۱. بیان مسئله

شعر رضوی ارتباط تنگاتنگی با آیین‌ها و اعتقادات و باور شاعران دارد. اهمیت شناخت و شناساندن این آیین ها و اعتقادات بر اهالی ادب و فرهنگ پوشیده نیست چون درک محتوا و شناخت ارزش‌های ادبی این اشعار می‌تواند ما را به لایه‌های پنهان معنایی این آثار هدایت کند. لذا پژوهشگران در این تحقیق کوشیده‌اند تا با کشف نشانه‌های زبانی و ادبی، چگونگی درک و دریافت معنای این اشعار را تسهیل کنند. این پژوهش در پی واکاوی کارکرد و کاربرد نشانه‌ها در شعرآیینی رضوی به انجام رسیده‌است و پژوهشگران کوشیده اند به این مسئله پاسخ دهند که نشانه‌های زبانی چگونه در شعر رضوی به کار رفته‌است.

۱ـ۲. پیشینهٔ تحقیق

تا کنون پژوهش‌های متعددی در زمینهٔ شعر آیینی- رضوی انجام شده که از آن میان می‌توان به عناوینی مانند «شعر آیینی و تأثیر انقلاب اسلامی بر آن» از زهرا محدثی(۱۳۸۸) اشاره کرد که در آن می‌توان تفاوت شعر رضوی با سایر حوزه های شعر آیینی را ملاحظه کرد. مقاله «کرامت امام رضا(ع)، طبیب رئوف» از مرتضی عبدالوهابی(۱۳۸۹) و همچنین مقالهٔ «واکاوی درونمایه شعر رضوی در سروده‌های شاعران معاصر ایلام» از علیرضا شوهانی و مهناز حاتمی(۱۳۹۸) موارد دیگری است که به نقد و بررسی و پژوهش در زمینه اشعار رضوی پرداخته‌اند. در مقالهٔ «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدس» خلیل بیگ زاده و فرنگیس شاهرخی، نشانه شناسی تقابل‌های دوگانه را عنصری بنیادین در بررسی ساختاری و معنایی آثار ادبی و از اصلی‌ترین روش‌های دستیابی به ساختار متن می‌دانند. مقاله «کاربست نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر(Michael Riffaterre) در تحلیل شعر "شبی در حرم قدس" رهی معیری» از اسماعیل آذر(۱۳۹۸) از مواردی است که در آن به مطالعه نظام‌مند نشانه‌های زبانی بر اساس این نظریه می‌پردازد. هر چند در این مقاله به پژوهش نشانه‌شناسی توجه شده‌است ولی دربیشتر پژوهش‌های انجام شده، به مضمون و محتوا پرداخته‌اند. لذا در این مقاله کوشش شده است که نشانه‌های زبانی شعر آیینی- رضوی را دریابیم و نقش آن‌ها را در تفسیر و فهم معنا مشخص کنیم. با توجه به اینکه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر رضوی برجسته بودن عنصر عاطفه در آن است و هر جا نام امام رضا(ع) در شعر می‌درخشد شکلی از عاطفه در آن جریان دارد. این عنصر به وسیله نشانه‌های زیبایی شناسی به نمایش گذاشته شده‌است. بررسی و تحلیل این نشانه‌ها در اشعار رضوی ما را به درک و دریافت تازه‌تری خواهد رساند.

۱ـ۳. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

بازشناخت شعرآیینی- رضوی پس از انقلاب اسلامی از منظر نشانه‌شناسی می‌تواند رهگشای درک نشانگان به کار رفته در این گونه از شعر باشد و راهی نو برای پژوهش‌های تازه در این حوزه باز کند. نشانه‌ها ما را به معنا هدایت می‌کنند و از ابزار و وسایل معناشناسی متون ادبی هستند و می‌توان بسیاری از حوزه‌های فکر و اندیشه را در قالب نشانه‌ها دریافت. نشانه‌ها در شعر آیینی- رضوی علاوه بر معناسازی و بیان تفکرات انتزاعی به زیبایی این نوع از شعر آیینی کمک می‌کنند. اهمیت این تحقیق در این است که شعر آیینی و به خصوص شعر رضوی را برای اولین بار از منظر نشانه‌شناسی بررسی و تحلیل می‌کند. بررسی این گونه از شعر با بهره‌گیری از رویکردهای نو ضرورتی است که اجرای آن می‌تواند به افزون شدن آگاهی سرایندگان شعر آیینی از پیشینهٔ آن و در نتیجه غنی‌تر شدن شعر آیینی- رضوی بینجامد. اشعار مورد استفاده در این پژوهش از سه کتاب *کبوتر آهو*، منتخبی از شعر کرامت،*صدای سبز* و *آینه گردانی*، اشعار آیینی که در محضر رهبر انقلاب خوانده شده، انتخاب گردیده است. منابع مورد استفاده در این تحقیق به این جهت انتخاب شده‌اند که گنجینه‌ای از منتخب اشعار رضوی هستند که در جلب مخاطب بیشتر از سایر آثار موفق به نظر می‌رسیدند.و از طرف دیگر به اشعار شاعران متعددی از برگزیدگان حوزه شعر آیینی توجه کرده است.

۲ـ مبانی نظری تحقیق

۲ـ۱. تعریف نشانه‌شناسی

تعریف واحد و جامعی از نشانه‌شناسی، مانند بسیاری از نظریه‌های ادبی یا فلسفی، ناممکن است. نشانه‌شناسی، مطالعهٔ نشانه‌ها و نمادهاست. نشانه‌شناسی رویکردی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر درفرایند تولید و مبادله و تعبیر آن‌ها و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد. نشانه چیزی است که به غیر خود دلالت دارد. «دانش نشانه‌شناسی، بررسی معناسازی، فرایند شکل‌گیری نشانه‌ها، اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و رمزگان ارتباطی است. نشانه‌ها بر پایه روش یا رمزگان مورد بهره برای انتقالشان دسته‌بندی می‌شوند که می‌تواند آواهای خاص، علامت‌های الفبایی، نمادهای تصویری، حرکات بدن یا حتی پوشیدن یک لباس ویژه باشد. هر کدام از این‌ها برای رساندن پیام ابتدا باید توسط گروه یا جامعه‌ای از انسان‌ها به عنوان حامل معنایی خاص پذیرفته شده باشند»(طاهری،۱۳۹۶: ۱۷-۱۶). از نظر پی‌یرگیرو (Pierre Guiraud) زبان شناس فرانسوی همه چیز نشانه است و نشانه‌شناسی که علم نشانه‌هاست همه دانایی و تجربه انسان را در بر می‌گیرد. بنابراین بسیاری از حوزه‌های فکر و اندیشه را می‌توان در قالب اصول نشانه شناسی بررسی و تحلیل کرد. فردینان سوسور (Ferdinand de Saussure)، زبان شناس سوئیسی و چارلز ساندرز(Charles Sanders Peirce) فیلسوف آمریکایی بنیانگذاران اصلی آنچه امروز با نام نشانه شناسی نامیده می شود هستند. اگر چه پس از سوسور و همچنین پیرس تحولات گسترده‌ای در مباحث نشانه شناسی صورت گرفته است و مبانی فکری اینان در حوزه‌های متفاوتی گسترش یافته است، کماکان الگوهایی که سوسور(Ferdinand de Saussure) و رابرت پیرس (Robert Pires) از مفهوم نشانه به دست داده‌اند اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده‌است و مبنای تحولات بعدی بوده‌است (نک: سجودی، ۱۳۸۲: ۱۲). سوسور الگویی دو وجهی یا دو قسمتی از نشانه ارائه می‌کند. از دید او نشانه تشکیل شده‌است از: دال، تصور صوتی و مدلول، مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند، یا تصور مفهومی. از دید سوسور «نشانه زبانی نه یک شیء را به یک نام، بلکه یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می‌دهد. تصور صوتی آوایی مادی نیست که جنبهٔ فیزیکی داشته باشد، بلکه اثر ذهنی این آواست و حواس ما نمایشی از آن را ارائه می‌دهد؛ نشانهٔ زبانی محسوس است و اگر بر آن می شویم که آن را مادی بنامیم، تنها به همین معنی و برای تقابل با وجه دیگر تداعی، یعنی مفهوم است که معمولا مجردتر می‌نماید»(سوسور،۱۳۷۸: ۹۶). «نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول»(سوسور:۱۳۷۸: ۶۷). «رابطه بین دال و مدلول را اصطلاحا دلالت می‌نامند»(سجودی،۱۳۸۲: ۱۳). هیچ نشانه‌ای قائم بر خود معنی نمی‌یابد بلکه ارزش آن ناشی از رابطهٔ آن با نشانه‌های دیگر است. هم دال و هم مدلول مفاهیمی تقابلی و مبتنی بر جایگاه و رابطه‌اشان با دیگر اجزای نظام هستند.(نک: سوسور،۱۳۷۸: ۱۱۸). سوسور به مفهومی تحت عنوان ارزش نشانه اشاره می‌کند. ارزش هر نشانه به روابط آن نشانه با دیگر نشانه‌های درون نظام وابسته است. پس بر این اساس سوسور بین آنچه در درون نشانه اتفاق می‌افتد یعنی دلالت دال به مدلول، و مفهوم ارزش (که به رابطهٔ نشانه‌ها با یکدیگر درون نظام مربوط می‌شود).تمایز قائل می‌شود(رک: سجودی،۱۳۸۲: ۱۷).

۲ـ۲ـ نشانه‌شناسی ادبی

نشانه شناسی متون ادبی به تجزیه و تحلیل متون ادبی از جمله شعر و داستان می‌پردازد. نشان‌شناسی به منزلهٔ وجهی میان رشته‌ای برای تکامل خود از رشته‌های گوناگونی از جمله زبان‌شناسی، علوم اجتماعی، روان شناسی، نقد ادبی بهره گرفته‌است و برای بررسی پدیده‌ها در زمینه‌های مختلف کاربرد دارد. بررسی دلالتهای ضمنی، شناخت ساز و کارهای شکل دهنده به گفتمان از قبیل: اسطوره‌ها، استعاره‌ها، نمادها و شناسایی دیگر شگردهای بلاغی از مواردی است که نشانه شناسان به آن توجه نشان می‌دهند. دلالت صریح و دلالت ضمنی دو شکل بنیادین و متضاد دلالت هستند و گرچه در اغلب پیام‌ها، این دو، حالتی آمیخته دارند اما می‌توان بر اساس این‌که کدام یک از آن‌ها نقشی مسلط در پیام دارد دو دسته پیام را از هم متمایز کرد. علوم به آن دسته از پیام‌ها تعلق دارند که در آن ها دلالتهای صریح، نقشی مسلط دارد. هنرها به آن دسته از پیام‌ها متعلق هستند که در آن‌ها نقش مسلط را دلالتهای ضمنی ایفا می‌کنند. دلالت‌های ضمنی بیشتر بر جنبه‌های فرهنگی- اجتماعی و تاریخی یک مدلول تکیه دارد. بدیهی است که سن و سال مخاطب، طبقه، جنسیت و پایگاه فرهنگی او در فهم و افاده معنی ضمنی پدیده‌های هنری، نقشی انکارناپذیر ایفا می‌کند.(نک: ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۹۴-۱۲۰).

رمزگان فنی بر نظامی دلالت می‌کنند که روابط عینی، واقعی، قابل مشاهده و اثبات‌پذیری دارند حال آنکه رمزگان‌های زیبایی‌شناختی بازنمایی‌های خیالی‌ای را می‌آفرینند که چون مانند رونوشتی از دنیای آفریده شده جلوه می‌کنند و ارزش نشانه را به خود می‌گیرند. بسیاری از نظام‌های نشانه‌ای به دلیل قرار گرفتن در نظام‌های دیگر به ویژه نظام زبان، به نظام‌های پیچیده و به قول کالر به نظام‌های مرتبه دوم مبدل می‌شوند. ادبیات یکی از این نظام هاست؛ زیرا مبتنی بر زبان است و قراردهای اضافه‌اش به کاربرد ویژه زبان مربوط می‌شود.برای نمونه صنایع ادبی از قبیل: استعاره، مجاز و اغراق را می‌توان کارکردهایی از نوع رمزگان ادبی مرتبه دوم تلقی کرد.

نظام ادبیات شامل رمزگان‌های صریحی نظیر رمزگان علائم راهنمایی و رانندگی و اداب معاشرت نیست زیرا رمزگان‌هایی که برای ایجاد ارتباط مستقیم به کار می‌روند، برای انتقال بدون ابهام پیام‌هایی طراحی شده‌اند که از پیش معلومند و رمزگان صرفا نوعی نشانه گذاری موجز برای مفاهیمی است که از پیش شناخته شده باشند اما با بیان هنری به دنبال انتقال مفاهیم، ظرایف و پیچیدگی‌هایی است که هنوز به مرحله تدوین درنیامده‌اند و به همین دلیل وقتی رمزگان هنری به مثابه یک رمزگان عمومی شناخته شود از حیطه رمزگان هنری و زیبا شناختی خارج خواهد شد و در مقوله اول جای خواهد گرفت.(همچون استعاره های مرده و کلیشه ای). ادبیات بی‌وقفه، هر چه را که در حال مبدل شدن به رمزگان دقیق یا قواعد صریح تعبیر است، تضعیف می‌کند یا به نقیصه می‌کشاند و از میان می‌برد. ادبیات تردید در مقولاتی است که ما در آن و بر حسب آن، خود و جهان را به آن گونه که متداول است نظاره می‌کنیم. رمزگان‌های ادبی نقش مهمی بر عهده دارند زیرا امکان فرایند ، تردید یا کندوکاو را فراهم می آورند. آثار ادبی هیچ گاه به طور کامل در قالب رمزگان‌های معرف خود قرار نمی‌گیرند و همین نکته است که مطالعه نشانه‌شناختی ادبیات را به چنین قلمرو وسوسه انگیزی مبدل می‌سازد(نک: کالر، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۱۸).

بیشتر نشانه شناسان معاصر، مطالعه فنون بلاغی مانند استعاره و مجاز را در قلمرو نشانه‌شناسی می‌دانند و تلاش می‌کنند نشان دهند صورت‌های بلاغی نقش ژرف و انکار ناپذیری در شکل‌دادن به واقعیت‌ها دارند. در واقع با استفاده از این فنون، ما شاید ناخودآگاه گفتارمان را به نظام گسترده‌ای از تداعی‌ها پیوند می‌زنیم که به نظر می‌رسد خارج از ارادهٔ مستقیم ما باشند. به عبارتی دیگر می‌توان گفت: به کارگیری فنون بلاغی صرفا مختص شعر و آثار ادبی نیست، بلکه به سطحی بسیار گسترده‌تر ارتقا پیدا کرده و به ساز و کاری بنیادی در شکل گیری گفتمان و شناخت ما از جهان تبدیل شده‌است(نک: سجودی، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۱۶).

نشانه‌شناسی نه تنها درون مایهٔ آثار ادبی را رمزگشایی می‌نماید؛ بلکه توجه منتقدان را به ساختارها و روابط درون متن معطوف می‌کند. «نشانه شناسی ادبیات به تفسیر آثار نمی پردازد؛ بلکه سعی در کشف قراردادهایی داردکه به تولید معنا می‌انجامند»(کالر،۱۳۷۹: ۸۶). نشانه شناسی تلاش کرد تا نشان دهد که چگونه معنا به وسیله الگوهای نشانه‌های به هم وابسته در متن تولید می‌شود. به این دلیل نشانه‌شناسی سبب شده‌است که نقد ادبیِ نظام‌مندی که موشکافانه تر و علمی‌تراست به وجود آید و این نشان می‌دهد که مسئله روش‌شناسی در علوم انسانی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته‌است.(فرهنگی و یوسف پور، ۱۳۸۹: ۱۵۰)

۳ـ عناصر تحلیل نشانه‌شناختی

به طور کلی در تحلیل نشانه‌شناختی متون، آنچه مدنظر پژوهشگران قرار می‌گیرد عبارت است از:

۱ـ تحلیل متن به اعتبار محور جانشینی[۱]. این پرسش که «چرا یک دال خاص در متن به کار رفته و دال‌های دیگر به جای آن به کار نرفته‌است؟» از پرسش‌هایی است که مورد توجه نشانه شناسان است. تحلیل بر اساس محور جانشینی را می‌توان در هر سطحی از واژه‌ها تا آواها، تصاویر، سبک و نوع اثر به کار گرفت.

۲ـ تحلیل متن بر اساس [۲]محور هم‌نشینی. در این بخش ساختار یک متن مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و اجزای آن در ارتباط با یکدیگر شناسایی می‌شوند. در این نوع مطالعه، هسته توجه، قراردادها یا قواعد حاکم بر ترکیب نشانه هاست. در بخش محور هم‌نشینی، روایت‌شناسی را نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. در روایت، توالی حوادث نوعی هم‌سازی میان وقایع ایجاد می‌کند، به طوری که وقایع در زنجیره‌ای به هم پیوند می‌خورند. البته در روایت شناسی، الگوهای گوناگونی از جمله الگوی پراپ ، گریماس و.... مطرح است.

۳ـ در نشانه‌شناسی توجه به دلالت‌های ضمنی و غیر مستقیم و التزامی در مقابل معانی صریح و مطابقتی دیده می‌شود و باید توجه داشت که دلالت ضمنی یا معنای التزامی، بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و تاریخی یک مدلول تکیه دارد.

---

[۱] پی نوشت را ببینید
[۲] پی نوشت را ببینید

۴ـ توجه به عناصری که اثرگذاری و زیبایی متن به آن ها وابسته‌است، از دیگر مواردی است که نشانه شناسان به آن می‌پردازند. مباحثی مانند استعاره، نماد، مجاز و....

۵ـ روابط بینامتنی و این موضوع که خوانش یک متن در پرتو متن یا نوشته دیگری صورت می‌گیرد، از مواردی است که توجه نشانه شناسان را به خود معطوف کرده است. در این چارچوب فرض بر این است که میان متون، نوعی علاقه و قرابت وجود دارد و می‌توان گفت که متن‌ها همواره در حال گفتگو و تعامل هستند به زعم طرفداران این رویکرد، هیچ نوشته‌ای، قطع نظر از شبکه تاریخی ایدئولوژیک خود، قابل فهم و استنباط نیست.

بر این اساس می‌توان به الگویی دست یافت که در نشانه‌شناسی ادبی اعم از شعر و نثر کارآمد است. بعضی از رمزگان، مفاهیم و نشانه‌ها ممکن است در متنی حضور داشته باشند و بعضی در متنی دیگر غایب باشند. رمزگان‌های مورد نظر عبارتند از: رمزگان‌های مربوط به بافت اثر، رمزگان‌های زیباشناختی از قبیل: استعاره، نماد، کنایه، مجاز، ایهام و.....رمزگان‌های مربوط به زمان و مکان، رمزگان‌های مربوط به فرم، رمزگان‌های نحوی، رمزگان‌های روابط بینامتنی و رمزگان‌های روایی(نک: محمدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۸۰-۱۴۷).

۳ـ۱ـ نشانه‌شناسی اشعار آیینی- رضوی برگزیده

بر مبنای الگوی پیشنهادی به نشانه‌شناسی شعر آیینی- رضوی می‌پردازیم تا نشان دهیم بررسی نشانه شناختی و توجه به رمزگان‌های گوناگون چگونه می‌تواند در خوانش اثر ادبی موثر باشد. باتوجه به این‌که «تحلیل‌های نشانه شناسی در انواع متون خاصه شعر معطوف به ساختار متن است، از این رو جهت نظریه ادبی را از بررسی معنای متن به واکاوی روابط موجود در متن تغییر می دهد و زمینه‌های تحلیل نظام‌مند و موشکافانه‌تری را فراهم می‌کند» (برکت، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۳ـ۱ـ۱ـ رمزگان‌های مربوط به بافت

هر گاه بخواهیم بافت را در شعر آیینی- رضوی مورد توجه قرار دهیم، باید این نکته را در نظر داشته باشیم که بافت در هر نوشتاری اعم از نظم و نثر، زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا واژگان در معانی خاص به کار روند. در شعر آیینی- رضوی واژگانی به کار می‌رود که بتواند ما را به درون مایه و بافت مرتبط با فضائل و ارزش‌های وجودی امام رضا(ع) رهنمون کند. «در تحلیل معنایی و نشانه‌شناختی متن ضرورت دارد، به چهار عامل کلی توجه شود: متن، تولید کننده متن، دریافت کننده متن و بافت متن. این چهار عامل در شکل‌گیری معنای کلی متن و خوانشی که از متن حاصل می شود نقش دارند»(ساسانی، ۱۳۸۴: ۶۱).

به سقاخانه‌ات زیباست رقص کاسه‌های نور در این پیمانه، آن پیمانه، پیمان تو می‌چرخد

(قزوه، ۱۳۹۸: ۵۴)

در این شعر واژه‌هایی آمده که ما را به بافت و درون مایه رأفت، بخشندگی و تعهد و اعتقاد و ... می‌رساند. کلمه سقاخانه اگر چه نام محل است اما ریشه در اعتقادات و باورها دارد. سقاخانه‌ها به عنوان نمادی از تشنگی و عطش امام حسین (ع) و یاران وفادارش در کربلا، به یادآوری واقعه عاشورا و مظلومیت امام حسین (ع) کمک می‌کنند و از جهت اجتماعی و اعتقادی در فرهنگ دینی ما جایگاه ویژه دارند. سقاخانه امام رضا(ع) سقاخانهٔ دائمی است. سقاخانه‌ها گاهی در مراسم‌های مذهبی همچون عاشورا، تاسوعا و یا حتی در اربعین دیده می‌شود، امّا در حرم امام رضا(ع) این سقاخانه همیشه رونق دارد. جاری بودن آب معنای خاصی دارد. آب مظهر پاکی و روشنی است. آب پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها را شستشو می‌دهد و به وجود مخمور و غمدیده شادمانی و طراوت می‌بخشد. کاسه‌های نور همان ظروفی هستند که زائران در سقاخانه‌های صحن رضوی با آن آب می‌نوشند. تشبیه زیبای ظروف سقاخانه به کاسهٔ نور باعث می‌شود تا پیوندی عمیق میان نور و آب پدید آید و ما را به آن بافت معنایی که همان رسیدن به پاک دلی و معنویت است هدایت می‌کند. نور ما را از ظلمت و تاریکی نجات می‌دهد و آنگاه که نور جریان یابد همه راستی و درستی آشکار می‌شود و شاعر به زیبایی نور و آب یعنی پاک‌دلی و رهایی از ظلمت را وابسته می‌کند. تکرار واژهٔ پیمانه و پیمان با موسیقی درونی زیبایی که خلق می‌کند، پیمانی که باید با امام رضا(ع) بست را تقویت می‌کند و همچنین به بافت معنایی عهد و پیمان اشاره دارد.

باد زانو می‌زند گلدسته را بو می‌کند　　دست هر آشفته‌ای را پیش تو رو می‌کند

در لباس خادمان مهربانت، صبح‌ها　　صحن و ایوان طلا را آب و جارو می‌کند

(سقلاطونی، ۱۳۹۸: ۴۱)

در این ابیات با جان بخشی ایجاد شده در شعر دنیایی معنوی به تصویر کشیده می‌شود. آنچه بافت معنایی را شکل می‌دهد عروج و رسیدن زائر به عالم معنویت است. دنیایی که در آن ریا و تزویری نیست و همه چیز آشکار است. زانو زدن باد تداعی کننده جایگاه رفیع امام رئوف است و بو کردن گلدسته عطر معنویت جاری در حرم رضوی است. رو شدن دست هر آشفته‌ای، بی پرده سخن گفتن با آن امام است و اینکه امام رضا(ع) می تواند مخزن اسرار زائران باشد. در بیت دوم که باد لباس خادمی به تن می‌کند بار دیگر تاکیدی صورت می‌گیرد در این معنا که زیارت امام رضا(ع) و خدمت به حرم رضوی جایگاه ویژه دارد.

رشته‌ای از فرش حرمت / زنجیر گردن عاشقان است / طلای گنبدت / روی زرد ماست

(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۱۷۸)

در این شعر زائران شرمساران و گناهکارانی هستند که به واسطه رأفت امام رضا(ع) و لطف و محبت او با چهره‌ای زرد و وجودی نادم و پشیمان شیدا و شیفته او می‌شوند و به او متوسل می‌گردند. هر رشته از فرش حرم امام رضا(ع) همچون گردن آویزی می‌شود که زائر را به آن حرم شریف وصل می‌کند.

نقاره‌ها به رقص کشند اهل زهد را　　شاعر کند خیال تو هر فیلسوف را

(سیار، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

این بیت اشاره به اهل زهد و فیلسوف دارد که هر چند منطق و عقل بر ذهن این افراد غالب است و کمتر احساس و عاطفه خود را نمایان می‌کنند، ولی اینقدر عشق و محبت امام رضا(ع) در وجود آن‌ها رخنه کرده است که حتی صدای نقاره‌ها آن‌ها را به شور و هیجان و رقص عارفانه می‌کشاند و فیلسوف را شاعر می‌کند.

۲-۱-۳- رمزگان‌های مربوط به زیبایی‌شناسی کلام

پی‌یرگیرو (Pierre Guiraud) در بحث از نسبی بودن مفهوم قراردادی در نشانه‌ها، از دو نوع نشانه‌های زیباشناختی سخن می‌گوید: ۱- نشانه‌های بلاغی ۲- نشانه‌های هنری. این نظام‌های زیباشناختی کارکردی دوگانه به خود می‌گیرند، برخی از آن‌ها، بی آنکه در قلمرو منطق قرار گیرند، باز نماینده اثری ناشناخته‌اند و برخی دیگر بیان کننده امیال ما هستند؛ نظام‌های نوع اول فنون معرفت، . نظام‌های نوع دوم هنرهای تفریحی در معنای ریشه شناختی آن هستند (گیرو، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۸).

در برخی اشعار آیینی- رضوی از شگردهایی بهره گرفته شده که در تحلیل متون ادبی از نشانه‌های زیباشناختی به شمار می‌روند که از جمله آن‌ها می‌توان بهره‌گیری از نماد، استعاره، اغراق و کنایه است. شاعر با استفاده از این‌گونه شگردها از نشانه‌هایی بهره می‌گیرد که بر مدلول خود دلالت ضمنی دارند؛ این گونه نشانه‌ها، منعطف‌تر و پویاتر از نشانه‌هایی هستند که در زبان علمی به کار می‌روند.

چنان که می‌برد عطش، ز طفل تشنه تاب را　　ندیدن ضریح تو ز من گرفته خواب را

نمی‌رسد شمیم تو به دشمنت وگرنه او　　به کعبه پیش عطر تو، نمی‌زند گلاب را

(جواهری رفیع، ۱۳۹۸: ۲۸)

در این بیت از رمزگان هنری زیباشناختی بهره برده‌است. ندیدن ضریح تشبیه به عطش شده و همانطور که عطش تاب و توان را از بین می‌برد ندیدن ضریح خواب و آرامش را از بین می‌برد. همچنین بیان این نکته است که عطر و بو امام از گلاب ارزشمندتر و خوش‌بوتر است.

ای آفتاب هشتمین، ای دهر را ناموس ای دست باران خیز تو در دست اقیانوس

دستم بگیر از لطف، ای بی‌انتها قدیس پایم رسان تا عشق، تا قرب تو، تا پابوس

(احرامیان پور، ۱۳۹۸: ۱۳)

در این دو بیت آرایهٔ حسن طلب مشهود است. شاعر با به کاربردن استعاره‌ها و تشبیهات بسیار زیبا از امام رضا(ع) به عنوان منبع نور و عزت روزگار و کسی که در بخشندگی بسیار فراخ دست است یاد می‌کند. دست امام رضا(ع) را باران خیز و متصل به دست اقیانوس می‌خواند و با این مقدمه از امام رضا(ع) درخواست دستگیری و همراهی دارد.

پای طومار درد این مردم، مهری از التیام او خورده است

مهر مهری که تا جهان باقی است، مهلت و انقضا نمی‌خواهد

(اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۴)

شاعر با استفاده از جناس و آرایهٔ تکرار و تصدیر مهربانی و محبت بی پایان امام رضا(ع) را بیان نموده است..

با دل خالی و با دست پر آمد بیرون هر که با دست تهی و دل پر داخل شد

(خرسندی، ۱۳۹۸: ۱۵)

شاعر از آرایه‌های لفظی و نشانه‌های زیباشناختی هنری (آزایهٔ تضاد و تقابل) استفاده می‌کند تا بافت معنایی مد نظر خود را مورد تاکید قرار دهد. از نظر بافت این شعر سخاوت و اجابت خواسته از جانب امام رئوف را موزد تاکید قرار داده است .

بهشت در ورودی حریم تو نشسته است بیا و لحظه ای ببر ز چشم ها حجاب را

(جواهری رفیع،۱۳۹۸: ۲۸)

شاعر در این بیت با جان بخشی بسیار زیبایی که به کار برده است، شاید به این موضوع اشاره دارد که در ورودی هر یک از صحن‌های حرم رضوی پلکانی وجود دارد که به آرامگاه‌های مجاوران مدفون شده در حرم رضوی منتهی

زوداید اغیر قابل استناد

می‌شود. به نظر می‌رسد شاعر با ظرافتی خاص به مخاطب خود می‌گوید وقتی باید سرانجام دنیا را ترک کنیم و در خاک آرام گیریم پس چه بهتر است از آن امام رئوف بخواهیم تا چشم ما را به حقیقت باز کند..

عطر هوای رواقت، آهنگ هر چلچراغت نگذاشت باقی بماند بغضی که می آورم را

(موحد، ۱۳۹۸: ۲۲)

در این بیت نشانه ها با آهنگ و موسیقی بسیار زیبای تصویر زیبایی حرم و رفتن اندوه را نشان می‌دهد.

باد زانو می‌زند گلدسته را بو می‌کند دست هر آشفته‌ای را پیش تو رو می‌کند

در لباس خادمان مهربانت، صبح‌ها صحن و ایوان طلا را آب و جارو می‌کند

(سقلاطونی، ۱۳۹۸: ۴۱)

در این بیت نشانه های زیبا شناختی هنری و بلاغی فراوان وجود دارد تشخیص وجاندار پنداری باد و زانو زدن و لباس خادمان را پوشیدن و آب و جارو کردن توسط آن به زیبایی به تصویر کشیده شده است. شاعر با به کاربردن صنایع بدیعی به زیبایی کلام خود افزوده است.

توجه به دلالت‌های ضمنی و غیر مستقیم باعث شکل گیری تلمیح می‌شود که گاهی به صورت مستقیم و گاهی به صورت غیرمستقیم است. باید توجه داشت که دلالت ضمنی، بیشتر به جنبه‌های فرهنگی و تاریخی یک مدلول تکیه دارد در ادامه به برخی از ابیات که دارای تلمیح هستند اشاره می‌کنیم.

من خودم آهوی چشمان تو بودم همه عمر به کجا می‌بری این روح بیابانی را

(شاه زیدی، ۱۳۹۵: ۱۵۲)

بغض خود را ابرها پیش تو خالی می‌کنند از غم صیاد می‌گویند آهوها به تو

(حسینی، ۱۳۹۸: ۳۳)

بعد از تو آهوها پی صیاد می‌گردند دنیا چنین ندیده است سبک و سیاقی را

(سعادتمند،۱۳۹۸: ۴۰)

حرم امن تو کافی ست هراسان شده را مثل شه راه بده آهوی گریان شده را

(لطیفیان، ۱۳۹۸: ۵۹)

شبیه بچه آهویی به امید آمدم اینجا گرفتارم؛ ضمانت کن مرا، دستم به دامانت

(هوشمندی، ۱۳۹۸: ۷۵)

این تلمیح‌ها نوعی دلالت ضمنی نیز به شمار می‌آید. ضامن آهو از القاب امام رضا(ع) و داستان معروفی نزد عامه شیعیان است. بر اساس این داستان، امام رضا(ع) آهویی را که در دام شکارچی اسیر شده بود، ضمانت می‌کند تا آهو برود، به فرزندش شیر بدهد و برگردد. این ماجرا بدین صورت، در منابع روایی درباره امام رضا(ع) نیامده، بلکه درباره پیامبر(ص) و دیگر امامان نقل شده است؛ با این حال، تنها امام رضا به ضامن آهو شهرت یافته است تا آنجا که در مناطقی چون ایران و شبه قاره هند، امام رضا به امام ضامن و ضامن آهو مشهور است. ماجرای مشهورِ ضمانت آهو توسط امام رضا، ترکیبی از چند داستان و روایت مختلف است؛ چراکه در منابع، گزارش‌هایی درباره پناهنده شدن آهو به حرم امام رضا(ع) وجود دارد.(نک: میرآقایی، ۱۳۹۱: ۱۱) ضامن آهو یکی از نشانه هایی است که کاربرد فراوان در اشعار رضوی دارد که به معانی ضمنی و تاریخی اشاره می‌کند و در بیشتر اشعار آیینی- رضوی به گونه‌های متفاوت از این داستان استفاده شده است.

۳-۱-۳-رمزگان های مربوط به روابط بینامتنی

به اعتقاد گروهی از صاحب نظران، خوانش هر متنی در پرتو متن یا نوشته دیگری صورت می‌گیرد و میان متون، نوعی علاقه و قرابت وجود دارد. اصطلاح بینامتنی را اولین بار ژولیا کریستوا به کار برد. از نظر کریستوا ساختار ادبی در مجموعه اجتماعی که به منزلهٔ مجموعه‌ای از متنهاست قرار دارد. او مجموعه نظریات خود را درباره تحلیل نشانه‌ها در کتابی به عنوان « نشانه‌شناسی؛ پژوهش‌هایی در باب تحلیل نشانه ها» طرح می‌کند. مفهوم بینامتنیت در آرای او و سولرز از باختین وام گرفته شده که معتقد بود هر متنی در محل تلاقی چندین متن سامان می یابد که خود هم خواندن دوباره و هم تاکید و هم فشردگی و هم جابجایی و هم عمق آن است (نک: تادیه، ۱۳۷۸: ۲۵۷-۲۶۱).

رولان بارت (Roland Barthes) و ژاک دریدا (Jacques Derrida) نیز هر کدام نظری خاص درباره «در خود پایندگی متنی» بیان کردند؛ به نظر دریدا هر متنی خود مقدمه‌ای است برای قرابت متنهای بی‌شمار، و فضای هر متن تداعی کننده متون پیشین و درآمدی به سوی متون دیگر است(نک: ضمیران، ۱۳۸۲: ۱۷۳-۱۷۵).

متن ادبی که در آن دلالت بینامتنیت مسلط است فضایی هزار تو را مجسم می‌کند که یکی از مسلط‌ترین ساختارهای نشانه‌ای در گفتمان پسامدرن محسوب می‌شود. ما تحت تاثیر عمیق آنچه خوانده‌ایم می‌نویسیم و خوانندگان ما متن را بر اساس همان تاثیرها می‌خوانند، بنابراین رشته بی پایان از متن‌های متصل به هم وجود دارد که به متن اصلی راه پیدا نمی‌کنند (نک: نجومیان، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۲۱). اساساً بینامتنی بودن، متضمن استفاده آگاهانه (از طریق نقل قول) یا ناآگاهانه از مطالب سایر متون است. (برگر، ۱۳۸۵: ۱۰۸)

در بررسی اشعار آیینی- رضوی مواردی وجود دارد که نشان از روابط بینامتنی با متون دیگر از جمله قرآن و یا احادیث نشان داده می شود که به مواردی در این قسمت اشاره خواهیم کرد.

روح‌القدس! بیا نفسی شاعری کنیم　　خورشید چشم‌های امام رئوف را

(سیار، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

در اسلام روح‌القدس یکی از فرشتگان مقرب است که در قرآن به عنوان فرشته وحی یا همان جبرئیل نام برده شده است. از این مفهوم شاعر استفاده نموده‌است و برای شعر گفتن خود از او مدد خواسته‌است تا بتواند مهربانی امام رضا(ع) را به بهترین صورت ترسیم نماید.

عیسی که نیستی پدر تو امام بود　　این بار چندم است که گهواره حرف زد؟

(جعفری، ۱۳۹۸: ۲۶)

یکی از مفاهیمی که در قرآن به کار برده شده است تولد خاص حضرت عیسی(ع) و همچنین در گهواره سخن گفتن ایشان است. شاعران از این موضوع در بیان مطالب خود بهره برده‌اند.

نام تو چیست؟ کودک موسی؟ نه؟ گل؟ نه؟ سیب

جایت کجاست؟ باغچه؟ گهواره؟ یا سبد

دریا کنار مرقد تو موج می‌زند

ماهی و پادشاهی تو حکم جزر و مد

(جعفری، ۱۳۹۸: ۲۶)

یکی دیگر از موضوعاتی که به فراوانی در قرآن و داستان‌های قرآنی بیان شده اینست که زمانی که فرعون قصد کشتن حضرت موسی (ع) را داشت. مادرش او را در سبدی قرار داد و در رود نیل رها کرد. تا اینکه به امر الهی آب او را به سمت قصر فرعون راهنمایی کرد و نجات پیدا کرد. شاعران از این مفاهیم بهره‌های بسیار زیادی در بیان مطالب خود نموده‌اند.

می‌ترسم از صفای حرم باخبر شود　　حاجی و نیمه کاره گذارد وقوف را

(سیار، ۱۳۹۸: ۱۴۹)

یکی از واجبات مهم دینی انجام حج برای افرادی است که به تمکن مالی رسیده‌اند. شاعر از این مفهوم استفاده کرده و به بیان این موضوع پرداخته‌است که با وجود واجب بودن اعمال حج برای حاجیان، خطاب به امام رضا(ع) بیان نموده که آنقدر صفای حرم تو زیاد است که می‌ترسم حاجی حج واجب خود را رها کند و به حرم تو بیاید. .همچنین در بعضی موارد از زیارت امام رضا(ع) به عنوان حج هشتم یاد شده است. این مفاهیم اهمیت زیارت امام رضا(ع) را بیان می‌کند.

مثل موری، من و دل آمده‌ایم این همه راه　　تا ببینیم مگر رسم سلیمانی را

(شاه زیدی، ۱۳۹۵: ۱۵۱)

در این بیت شاعر از موضوع داستان قرآنی حضرت سلیمان (ع) و مور استفاده نموده و خود را مانند مور کوچک و بخشش امام رضا(ع) را مانند سلیمان باعظمت بیان نموده است.

می روم گاهی خراسان گاهگاهی کربلا
یک طرف شمس الشموس و یک طرف شمس الضحی
هر دو تنها، هر دو دور افتاده، هر دو خونین جگر
کار عشق این است آری البلاء للولا

(جهاندار، ۱۳۹۸: ۳۰)

در این بیت نشانه هایی از حوادث عاشورا و کربلا و غربت امامان معصوم بیان شده است. همانطور که مشاهده می‌کنید در اشعار آیینی- رضوی مفاهیم گوناگونی از داستان‌های قرآنی و پیامبران الهی و امامان معصوم گرفته شده‌است که همان بینامتنیت است..

۴-۱-۳- رمزگان‌های مربوط به زمان و مکان

یکی از رمزگان که در شعر آیینی- رضوی باید مورد توجه قرار گیرد، رمزگان مربوط به زمان و مکان است. ری بردویستل (ray birdwhistell) یک مدل زبان شناختی برای نشانه‌های اطواری نشان داده است. دراین مدل، نشانه‌های زمانی مکانی در کنار نشانه‌های حرکتی مورد توجه قرار گرفته است (گیرو،۱۳۸۰: ۱۲۲). از این رو، برخی نویسندگان در تحلیل نشانه شناسانه آثار هنری از جمله نقاشی، شعر و داستان به نشانه‌های زمانی و مکانی نیز پرداختند (نک: نامور مطلق، ۱۳۸۳: ۱۵۸-۱۵۹، سجودی ، ۱۳۸۵، ۴۶ـ۶۴).

در تقسیم بندی رابرت پیرس (Robert Pires) از انواع نشانه ها، قیدهای زمان و مکان از نوع نمایه شمرده می‌شوند و دال در این گونه نشانه‌ها به صورت فیزیکی یا علّی بر مدلول دلالت می‌کند. نگاهی به اشعار رضوی نشان می‌دهد که در درون این اشعار ظاهراً نشانه‌هایی از دلالت صریح بر زمان و مکان مشخصی وجود ندارد. اما با بررسی دقیق‌تر می‌توان نشانه‌های زمانی، مکانی را از جنبه‌های دیگری نیز مورد بررسی قرار داد. مثلاً با توجه به زمان افعال به کار رفته در شعر نشان داد که شاعر خودآگاه یا ناخودآگاه بر چه وجهی از روایت شعر گرایش دارد. هارالد واینریش (Harald Weinrich) در مقاله «زمان، حکایت، تفسیر» دو گروه زمانی را از هم متمایز می‌کند: گروه اول شامل حال، آینده و ماضی نقلی است و گروه دوم شامل ماضی مطلق، استمراری، بعید و شرطی. از نظر او گروه اول به حوزه تفسیر تعلق دارند و افعال گروه دوم به حوزه حکایت(نک: تأدیه، ۱۳۷۸: ۲۲۳-۲۲۴).

با بررسی اشعار آیینی- رضوی مشخص می‌شود که کاربرد زمان حال در آن‌ها بیشتر بوده و وجه تفسیری یا توصیفی در این شعر غلبه دارد.

خراسان در خراسان‌نور درجان‌تو می‌چرخد مگر خورشید در چاک گریبان تو می‌چرخد؟

(قزوه،۱۳۹۸: ۵۴)

از هفت بقعه، عطر گل سیب می‌رسد تا هشتمین بهشت به ترتیب می‌رسد

(موسوی، ۱۳۹۸: ۶۷)

همانطور که مشاهده می‌کنید زمان افعال در دو بیت بالایی زمان حال است و به همان حوزه تفسیر دلالت دارد.

بهشت در ورودی حریم تو نشسته است بیا و لحظه‌ای ببر ز چشم‌ها حجاب را

(جواهری رفیع،۱۳۹۸: ۲۸)

زمان فعل در بیت بالایی ماضی نقلی است و به همان حوزه تفسیر دلالت دارد.

چون تو نخواهد یافت هرگز ای خدا باور　　صد بار اگر در شهر گردد شیخ با فانوس

(احرامیان پور، ۱۳۹۸: ۱۳)

همانطور که در نمونه‌های ذکر شده مشاهده می‌کنید زمان افعال در اشعار بالایی حال، ماضی نقلی و آینده است و به حوزه تفسیر و توصیفی دلالت دارد. نشانه‌هایی مکانی در شعر در بیشتر موارد به مکان های حقیقی اشاره دارد که نمونه هایی از آن مانند سقاخانه، صحن انقلاب، مهمان سرا، حرم و....در شعر رضوی آمده است

۵-۱-۳- رمزگان‌های مربوط به فرم

دیدگاه های یوری لوتمن (Juri Lotman)، از نشانه شناسان فرمالیست روسی، در سال ۱۹۷۰ در کتاب *ساختار متن هنری* منتشر شد. او معتقد بود هنر وسیله‌ای برای ارتباط و زبانی سازمان یافته به شکلی خاص است. به نظر او اثر، نخست به صورت پیام و سپس به صورت شکل دریافت می‌شود. او تلاش کرد تا با تشریح ساختار متن‌های هنری، نشان دهد که برای دستیابی به دو نظام تفریحی و منطقی که بر آثار ادبی حاکم است، باید هم متن را به صورت افقی فهمید و هم عمودی، زیرا از نظر او حقیقت هنری هم‌زمان در چندین عرصه از معنا وجود دارد؛ به همین دلیل متن قابلیت آن را دارد که هم به بخشی از کلیت و هم به تمامی کلیت همانند باشد (تادیه، ۱۳۷۸: صص ۲۶۳-۲۶۵).

در بررسی و تحلیل‌های انجام شده در مورد شعر آیینی- رضوی (همان سه کتاب ذکر شده در ابتدای مقاله) اشعار کتاب *کبوتر آهو* که ۴۰ شعر منتخب شعر کرامت هست ۳۵مورد در قالب غزل سروده شده، آهنگین و دارای ردیف و قافیه هستند. همچنین دارای وحدت موضوع در دو محور عمودی و افقی بوده که در بیشتر موارد به بیان احساس عشق و ارادت و کرامات امام رضا(ع) می‌پردازند.

۶-۱-۳- رمزگان‌های نحوی

هنجارگریزی نحوی و به هم ریختن ترکیب کلام امری عادی است، امّا در اشعار آیینی- رضوی در بیشتر موارد ترکیب کلام شبیه زبان معمولی است و هنجارگریزی کمتری وجود دارد. در این اشعار شاعران ترجیح دادند با مخاطبان دوستانه سخن بگویند پس ترکیب کلام را چندان به هم نمی‌زنند و به صورت عادی و معمولی سخن می‌گویند. یکی از دلالت‌های دستوری که در این نوع شعر وجود دارد وجود جمله‌های کوتاه است که باعث می‌شود شتاب جمله‌ها بیشتر شود. از دیگر ساخت‌های نحوی که در این گونه اشعار مشاهده می‌شود وجود منادا در ابتدا و در طول اشعار و همچنین افعال امری و نهی است که باعث شده گفتگوی صمیمانه با امام رضا(ع) داشته باشند.

از نظر نوع سبکی می توان آن را سبک وابسته دانست که رابطه آن‌ها به گونه‌ای است که یکی از جمله‌ها بر دیگری تکیه دارد. در این سبک، جمله‌ها حامل اندیشه‌های وابسته به هم به شمار می‌روند. از نظر وجهی این اشعار دارای وجه عاطفی است که در بردارنده شور، هیجان و احساسات گوینده و نشان دهنده درجه دوستی وی نسبت به موضوع است. بیان احساساتی مانند شادی، اندوه ، لذت و ستایش، حسرت یا افسوس با این وجه صورت می‌گیرد.

ای آفتاب هشتمین، ای دهر را ناموس — ای دست باران خیز تو در دست اقیانوس!

دستم بگیر از لطف، ای بی‌انتها قدیس! — پایم رسان تا عشق، تا قرب تو، تا پابوس

(احرامیان پور، ۱۳۹۸: ۱۳)

ای سلام گرم خورشید از فراسوها به تو — شب پناه آورده با انبوه شب بوها به تو

ای ضریحت عشق! از هر لذتی شیرین‌تر است — لحظه‌ای که می رسد دست النگوها به تو

(حسینی، ۱۳۹۸: ۳۳)

ای دستگیر صبح قیامت! سرم فدات — هم خانواده، هم پدر و مادرم فدات

(لطیفیان، ۱۳۹۸: ۶۱)

تمام پنجره را غرق حسن یوسف کن — دل اهالی این کوچه را تصرف کن

(برقعی، ۱۳۹۸: ۸۴)

مواردی که در مورد رمزگان نحوی در شعر رضوی بیان شده است مانند وجود منادا و افعال امری، سبک وابسته و جملات کوتاه و همچنین وجه عاطفی در ساختار این نوع شعر به خوبی نمایان است.

۷-۱-۳- رمزگان روایی

نرم‌افزار غیر قابل استناد

هر چند رمزگان روایی بیشتر در روایت شناسی و بررسی متون داستانی بررسی و تحلیل می شوند اما در نشانه شناسی شعر نیز می‌توانند کارآمد باشند .بسیاری از اشعار از درون مایه‌ای روایی برخوردارند و روایتی را نقل می‌کنند. شعر آیینی- رضوی نیز در مفهوم کلی آن شعری روایی است، روایتی از انسان هایی که عشق و ارادت امام رضا(ع) در تارو پود وجودشان رخنه کرده‌است و او را پناهگاه و درمانگر دردهای روحی و جسمی خود می‌دانند و حرف‌های خود را به او می‌زنند. یکی از رمزگان های روایی از منظر رولان بارت، رمزگان کنشی است که با زنجیره رویدادها سرو کار دارد و دیگر، رمزگان معنایی که منظور از آن معناهای ضمنی است (ر.ک.اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۱۷-۲۱۸). روایت ضمانت امام رضا (ع) از معناهای ضمنی است که در اشعار رضوی به فراوانی به کار برده شده است و کاربرد های زیادی از آن در این اشعار شده است.

چون کبوتر دست برمی‌داشتند ازرسم کوچ　　فکر می کردند اگر روزی پرستوها به تو

(حسینی، ۱۳۹۸: ۳۳)

هم نشین شدن نشانه های کبوتر ، پرستو وکوچ نوعی همسان سازی وقایع را در این بیت نشان می‌دهد.

دهن تلخ مرا نام حرم شیرین کرد　　چای خوش عطر شد آنجا که عجین با هل شد

(خرسندی، ۱۳۹۸: ۳۴)

هم نشینی معنایی و بسیار زیبای نشانه های چای، هل، خوش عطر و بقیه نشانه ها که به زیبایی تصویری کشیده است از زمانی که شاعر با بردن نام حرم احساس خوبی داشته است.

۴- نتیجه‌گیری

نشانه شناسی یکی از شیوه‌های کارآمد در تجزیه و تحلیل متون ادبی است. آنچه می‌تواند ارتباط خواننده را با مفاهیم عمیق در متن برقرار سازد دلالت‌های مرکزی متن است.دریافت دلالت‌ها از طریق شناخت نشانه‌ها برای خواننده امکان پذیر است. تحلیل نشانه شناسی اشعار رضوی معطوف به ساختار متن است. مفهوم نشانه مفهومی تحلیلی است که دنبال مفهوم متن می‌آید. تحلیل گر در ابتدا با متن روبروست و متن حاصل همنشینی بین لایه‌هایی است که هر یک بر اساس انتخاب از رمزگان‌های متفاوت بر حسب ضرورت تحقق عینی یافته‌اند.بافت یک رابطه است که بین لایه‌های متنی ممکن است برقرار باشد. در بررسی اشعار آیینی- رضوی دریافتیم که:

- بافت رأفت و مهربانی امام رضا(ع) نقش بسیار زیادی در این گونه اشعار بازی می‌کند.
- شاعران برای نشان دادن احساس و عواطف خود در برابر این مهربانی و تاثیرگذاری بیشتر و زیبایی کلام خود از نشانه‌های زیباشناختی همچون استعاره، تشبیه، نشانه‌های اغراق آمیز، تلمیح و مراعات نظیر بهره گرفته‌اند.

- شاعران با استفاده از تشخیص و زنده انگاری عناصر حرم و ساختن تصاویر زیبا انتقال معنا را به آسانی انجام دادند.
- بیشتر اشعار دارای موسیقی، آهنگ و در قالب غزل است و احساس عشق در آن موج می‌زند.
- در بررسی و تحلیل محتوا رمزگان بینامتی وجود دارد که برگرفته از داستان‌های قرآنی و احادیث و حوادث تاریخی دینی است.
- در بررسی رمزگان مربوط به زمان و مکان، مشخص می‌شود کاربرد زمان حال درآن‌ها بیشتر بوده و وجه توصیفی و تفسیری دارد. نشانه های مکانی در این گونه اشعار به مکان‌های حقیقی اشاره کرده‌است.
- اشعار آیینی- رضوی دارای وحدت موضوع در دو محور عمودی و افقی است که به بیان احساس عشق و ارادت امام رضا(ع) و کرامات ایشان می پردازد. هر چند بنابر طبیعت شعر، هنجارگریزی در همه اشعار به خصوص اینگونه اشعار وجود دارد ولی در بیشتر موارد شاعران ترکیب کلام را به هم نمی‌زنند و به صورت عادی و معمولی سخن می‌گویند.
- وجود جمله‌های کوتاه و منادا در ابتدای جمله و افعال امر و نهی و همچنین وجهیت عاطفی که باعث شده شاعران صمیمانه با امام رضا(ع) سخن بگویند.
- این اشعار در بیشتر موارد حامل اندیشه‌های وابسته به هم است. روایت ضامن آهو شدن امام رضا(ع) نمونه‌ای از نشانه‌های روایی در این نوع اشعار است که به فراوانی توانسته است مضامین بسیار زیادی را به خود اختصاص دهد.

پی نوشت

۱. اشعاری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌است از دو مجموعه شعر انتخاب شده اند که یک مجموعه در سال ۱۳۹۵ با نام آیینه گردانی (دین سروده‌های شعرای آیینی) با همت جمعی از شاعران منتشر شده است و دیگری با نام کبوتر آهو؛ پروبال در شعر کرامت که توسط حامد حجتی در سال ۱۳۹۸ انتشار یافته است. به جهت پرهیز از تکرار و حفظ امانت اشعار شاعرانی که از این دو کتاب انتخاب شده است، در ارجاع درون متنی با نام خود شاعر همراه شده است. مثلا ارجاع«(خرسندی، ۱۳۹۸: ۱۵)» شعری از خرسندی در صفحه ۱۵ کتاب حجتی است و ارجاع «(شاه زیدی، ۱۳۹۵: ۱۵۲)» شعری از شاه زیدی در صفحه ۱۵۲ کتاب آیینه گردانی (دین سروده‌های شعرای آیینی)است.

۲. محور هم‌نشینی، همان محور افقی کلام است که اجزای آن در کنار هم قرار گرفته و عبارت را به‌صورت خطی بررسی می‌کند و باعث افزایش معنا می‌شود اما محور جانشینی به‌صورت عمودی در کلام جای گرفته است؛ به‌گونه‌ای که اگر یک واژه در عبارت قرار گرفت، واژگان مرتبط با آن نمی‌توانند در کنار آن واقع شوند و باعث چندمعنایی می‌شود.نشانه‌های زبانی ممکن است تک‌معنایی باشند و بنابه قرارداد، یک معنارا از بین تمام معانی به خود اختصاص می‌دهند؛مانند علائم راهنمایی رانندگی؛ ولی برخی دیگر بنا به تأویل مخاطب، ممکن است معانی متفاوتی داشته باشند

منابع و مآخذ

۱. آذر، اسماعیل.(۱۳۹۸).«کاربست نظریه نشانه‌شناسی مایکل ریفاتر در تحلیل شعر شبی در حرم قدس رهی معیری» فصلنامه علمی فرهنگ رضوی. (۴،۷).۷۶-۵۹.

۲. اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر آگاه.

۳. اسماعیلی، رضا.(۱۳۹۸). شعر رضوی از دیروز تا امروز، روزنامه اطلاعات. ۲۰ تیر ۱۳۹۸. شماره ۲۷۳۲۶. وادی ادبیات. صفحه ۹.

۴. برکت، بهزاد.(۱۳۸۹). « نشانه شناسی شعر کاربست نظریه مایکل ریفاتر بر شعر ای مرز پر گهر فروغ فرخزاد». فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، سال اول. ش ۴.ص ۱۳۰-۱۰۹.

۵. برگر، آرتور آسا. (۱۳۸۵). نقد فرهنگی. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

۶. بیگ زاده، خلیل، کیانی، رضا.(۱۳۹۳)«زخمه ای بر چنگ دل شعشعه خورشید خراسان بر مثنوی مادر آهوان احمد عزیزی» فرهنگ رضوی، دوره ۲ شماره ۸، پیاپی ۸ اسفند ۹۲ صص ۷-۳۰.

۷. بیگ زاده، خلیل و شاهرخی، فرنگیس.(۱۳۹۷)، «تحلیل تقابل واژگانی شعر رضوی شاعران دفاع مقدس» نشریه ادبیات پایداری. سال دهم. شماره هجدهم. صص۵۳-۷۲. دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۸. تادیه، ژان ایو. (۱۳۷۸). نقد ادبی در قرن بیستم، ترجمه مهشید نونهالی، تهران: انتشارات نیلوفر.

۹. جمعی از شاعران، آیینه گردانی (دین سروده‌های شعرای آیینی). (۱۳۹۵). چاپ دوم، تهران: نسیم انقلاب، موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

۱۰. حاتمی، مهناز. شوهانی، علیرضا.(۱۳۹۸). « واکاوی درون مایه شعر رضوی در سروده‌های شاعران ایلام، فرهنگ ایلام». پاییز ۹۸ ، دوره بیستم، شماره ۶۴و ۶۵، صص ۱۹۸- ۱۷۸

۱۱. حجتی، حامد.(۱۳۹۸). کبوتر آهو؛ پروبال در شعر کرامت، قم: عصر صادق.

۱۲. سجودی، فرزان. (۱۳۸۲). نشانه شناسی کاربردی، تهران: نشر قصه.

۱۳. سوسور، فردینان دو (۱۳۷۸).دوره زبان شناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی. انتشارات هرمس.

۱۴. ضمیران، محمد. (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه شناسی هنر، تهران: نشرقصه.

۱۵. طاهری، صدرالدین.(۱۳۹۶). نشانه شناسی کهن الگوها در هنر ایران باستان و سرزمین های همجوار، تهران: شورآفرین.

روند ارجاع قابل استناد

۱۶.عبدوالوهابی، مرتضی. (۱۳۸۹). « کرامت امام رضا(ع)؛ طبیب رئوف» فرهنگ کوثر، تابستان ۱۳۸۹، شماره ۸۲، صص ۱۴۸تا ۱۵۱

۱۷.فرهنگی، سهیلا و محمدکاظم یوسف‌پور.(۱۳۸۹). نشانه‌شناسی شعر الفبای درد قیصر امین‌پور. کاوش‌نامه، دوره ۱۱. ش ۲۱.

۱۸.کالر، جاناتان.(۱۳۷۹). فردینان دوسوسور، ترجمه کوروش صفوی، تهران: انتشارات هرمس.

۱۹.کالر، جاناتان.(۱۳۸۸). در جستجوی نشانه‌ها ترجمه لیلا ضادقی و تینا امراللهی. چاپ اول، تهران: علم.

۲۰.گیرو، پی یر.(۱۳۸۰). نشانه شناسی، ترجمه محمد نبوی، تهران: انتشارات آگاه..

۲۱.محدثی خراسانی، زهرا. (۱۳۸۸). شعر آیینی و تاثیر انقلاب اسلامی بر آن، تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا.

۲۲.محمدی، یدالله. گرجی، مصطفی، پارسا، سید احمد.(۱۳۹۴).« نشانه شناسی غزلی از مولانا». مطالعات عرفانی. شماره ۲۱، بهار و تابستان ۹۴ ،صص ۱۴۷-۱۸۰

۲۳.موسوی گرمارودی، علی.(۱۳۸۹). صدای سبز، چاپ سوم، تهران: قدیانی.

۲۴.میرآقایی(۱۳۹۱)، «ضامن آهو و تجلی آن در شعر فارسی»، فصلنامه فرهنگ مردم، شماره پیاپی ۴۳-۴۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۱

ویرایش اغیر قابل استناد